تحلیل تاثیر معافیت های مالیاتی بر کارایی اقتصادی منطقه ای
(مطالعه موردی معافیت های مالیاتی مناطق محروم موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م)

حجت‌الله عبدالملکی[۱]

شهناز شیردلیان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش : ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

چکیده

یکی از اهداف معافیتهای مالیاتی منطقه ای، تقویت بنیه اقتصادی مناطق خاص است. در این روش دولت با برقراری سیاست حمایت از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی مناطق مورد نظر، زمینه را برای انتقال سرمایه و سایر منابع به مناطق مذکور فراهم می کند که در نهایت می تواند منجر به تسریع در رشد و توسعه اقتصادی مناطق شود. مساله اصلی این مقاله بررسی تاثیر معافیت های مالیاتی نواحی محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر کارایی اقتصادی با دو شاخص رشد و توسعه اقتصادی منطقه ای کشور است. نتایج نشان می دهد که عامل معافیت های مالیاتی (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) اثری بر متوسط نرخ رشد و توسعه اقتصادی استان های کشور نداشته است و این می تواند به دلیل ضعیف بودن قدرت تحریک این سیاست، کم بودن دوره زمانی اجرای این قانون (تاکنون)، عدم حساسیت سرمایه گذاری و تولید در مناطق نسبت به قوانین مالیاتی، عدم وجود عوامل همزمان جهت تاثیر گذاری عامل معافیت مالیاتی و یا نبود عوامل مهم و بستر ساز برای تاثیر گذاری عامل معافیت مالیاتی باشد.

واژه‌های کلیدی: کارایی اقتصادی، توسعه اقتصادی منطقه ای، رشد اقتصادی منطقه ای، سیاستهای مالیاتی، معافیت های ماده ۱۳۲ ق.م.م، اقتصادسنجی داده های تلفیقی

۱- عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام
Dr.h.abdolmaleki@gmail.com
۲- کارشناس ارشد برنامه ریزی توسعه منطقه ای، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)(نویسنده مسئول)
shahnazshirdelian@gmail.com

۱- مقدمه

نظام و سیاستهای مالیاتی به جهت تاثیر مهمی که بر وضعیت اقتصادی دارند، همواره مورد مداقه اندیشمندان علوم اقتصادی و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار داشته اند. موضوعاتی از جمله کارایی مالیاتی و عدالت مالیاتی، از اساسی ترین مباحث حوزه سیاست‌گذاری مالیاتی هستند که دائما موجب وسواس و اضطراب مدیران کلان اقتصادی بوده اند. در شرایطی که تدوین یک نظام مالیاتی بهینه و کارآمد مستلزم لحاظ اثرات توزیع درآمدی و تاثیر آن بر رفاه مالیات دهندگان و سایر افراد جامعه است، عامل تخصیص منابع و میزان تاثیر پذیری آن از این نظام و به تبع آن، سطح انحراف از کارایی تولیدی، موضوع حائز اهمیت دیگری در تنظیم ترتیبات مالیاتی است. شاخص این انحراف از کارایی، میزان کاهش تولیدات در اثر اجرای نظام مالیاتی است.

امروزه در دسته بازخوردی سیاست های اقتصادی که به طور عمومی با جهت گیری توزیع مجدد درآمد و یا تخصیص مجدد منابع و ارتقاء کارایی فنی در اقتصاد اتخاذ می شوند معافیت های مالیاتی از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. این نوع تخفیف‌ها به طور عمومی پس از اجرای نظام طراحی شده اولیه و مشاهده اثرات آن در سطوح تولیدی و توزیعی و به جهت میزان تاثیر در تحقق اهداف نظام اقتصادی و البته پس از تاکید مجدد بر ضرورت تحقق اهدافی از جمله عدالت یا کارایی اعمال می شوند. بدین جهت مبنای اتخاذ معافیت های مالیاتی، عدم کارایی نظام مالیاتی عمومی در خصوص بخش ها یا مناطق معاف است.

یکی از موارد عمومی در سیاستهای مالیاتی، معافیت مناطق خاص است؛ مناطقی که به دلیل محرومیت و یا دلایل دیگر، رشد سریعتر آنها مورد تاکید سیاست‌گذاران است. این نوع از معافیت ها در نظام اقتصادی ایران نیز در ادوار مختلف اتخاذ شده است. از جمله این موارد، معافیت های مالیاتی مناطق محروم است که براساس مصوبه هیات وزیران[1] از سال ۱۳۸۲ (اواسط برنامه سوم توسعه) اجرا شده و اجرای آن در طول برنامه چهارم و یک‌سال پس از آن نیز تنفیذ گردیده است. این معافیت ها با هدف تسریع در رشد و توسعه اقتصادی مناطق مذکور و به تبع آن ارتقاء کارایی اقتصادی در این

۱- این مصوبه به شماره ۲۱۳۷۲/ت ۲۸۸۹۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۴/۳۱ فهرست مناطق کمتر توسعه یافته موضوع تبصره ۱ ماده ۱۳۲قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ است و در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ نیز بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۱۷۲۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنفیذ شده است.

مناطق اعمال گردیده است. اما مساله ای که منشاء تحقیق حاضر بوده، معناداری یا عدم معناداری تاثیر این معافیت ها در کارایی اقتصادی مناطق است. ضرورت این مساله در لحاظ وجه دوم سیاستهای تخفیفی مذکور، یعنی کاهش پایه و درآمدهای مالیاتی دولت و در نتیجه تاثیر منفی آن بر رفاه، رشد و نیز توسعه منطقه ای بر مبنای مدل های رشد تعمیم یافته بارو (بارو و سالایی مارتین، ۱۹۹۹: ۱۶۰-۱۵۱) و شاخص توسعه انسانی[1] روشن می شود. در واقع موفقیت این‌گونه سیاستها، در تقابل هزینه ها (اثرات منفی بر کارایی) و منافع (اثرات مثبت بر کارایی) تعیین می گردد. در این مقاله براساس توضیحاتی که در ادامه ارائه خواهد شد، کارایی اقتصادی مناطق با دو شاخص رشد و توسعه اقتصادی مناطق اندازه گیری می شود. فرضیه تحقیق حاضر، تاثیر مثبت این معافیت ها بر کارایی اقتصادی مناطق (رشد و توسعه منطقه ای) بوده است.

به منظور آزمون فرضیه مذکور و پاسخ‌گویی به مساله تحقیق، پس از تصریح مدل ریاضی تحلیل تاثیر معافیت های مالیاتی مناطق محروم بر رشد منطقه ای با بهره گیری از مدل رشد درونزای تعمیم یافته (مدل بارو) و توسعه اقتصادی منطقه ای شاخص توسعه انسانی از روش های اقتصادسنجی داده های تلفیقی استفاده شده است.

در ادامه مقاله و در بخش بعد، مروری بر مطالعات نظری و کاربردی پیشین در حوزه تحلیل اثرات سیاستهای مالیاتی بر رشد و توسعه اقتصادی ارائه شده است. سپس با نگاهی گذرا به ادبیات نظریه های رشد و توسعه اقتصادی، مدل های رشد نئوکلاسیک و رشد درونزا به عنوان مدل پایه در بخش رشد و شاخص توسعه انسانی در بخش توسعه منطقه ای مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه مدل های نهایی تصریح شده و با معرفی متغیرها و داده های مورد استفاده، نتایج تخمین مدل اقتصادسنجی در بخش ششم ارائه شده است. بخش پایانی مقاله نیز به جمع بندی یافته ها و ارائه پیشنهادات سیاستی و مطالعاتی اختصاص یافته است.

1 . Human Development Index (HDI)

۲- پیشینه موضوع

در ارتباط با اثرات انواع نظام های مالیاتی بر متغیرهای اقتصادی، مطالعات زیادی در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما در بررسی های انجام شده به منظور بررسی پیشینه تحقیق حاضر، مطالعه ای که به طور مستقیم موضوع تاثیر معافیت های مالیاتی بر کارایی اقتصادی منطقه ای، رشد یا توسعه منطقه ای را مورد توجه قرار داده باشد یافت نشد، گرچه مطالعاتی با نسبتی از ارتباط یافت شد که به شرح ذیل معرفی می گردند:

مرگان و همکارانش (۱۹۸۹) در پژوهشی به بررسی اثرات مالیات های ملی و ایالتی بر تولید و جابجایی نیروی کار در مناطق مختلف آمریکا پرداخته اند. ریچ و همکارانش (۲۰۰۵) نیز در مطالعه ای با استفاده از شاخص های منطقه ای، منابع مالیاتی نیویورک را تخمین زده اند. در این مطالعه تفاوت های منطقه ای در تعیین نرخ مالیات مورد توجه قرار گرفته اند. بلاگریو (۲۰۰۵) در مطالعه خود به بررسی اثر سیستم یکپارچه مالیات بر فروش بر درآمدهای مالیاتی سه ایالت مختلف در کشور کانادا در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳، می پردازد و پیشنهاد می کند که در نظام مالیاتی فوق، با جهت گیری ارتقاء کارایی مالی منطقه ای در این کشور بازنگری صورت گیرد. لو و چو (۲۰۰۶) در پژوهشی با هدف بررسی اثرات منطقه ای نظام مالیاتی جدید کشور چین (که از سال ۱۹۹۴ اجرا شده است) اثرات سیستم مالیاتی یکپارچه این کشور بر وضعیت اقتصادی مناطق مختلف این کشور را متفاوت برآورد کرده اند. اولیری (۲۰۱۱) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که مالیات ها به طور کلی اثر قابل توجهی بر رشد و توسعه اقتصادی ندارند، در حالی‌که تغییرات کوچک هزینه های انرژی و دستمزد، اثرات مهمی بر رشد اقتصادی می گذارد، اما در مقابل آرنولد و همکارانش (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیده اند که با اصلاح نظام مالیاتی، می توان علاوه بر جبران بخشی از خسارات بحران مالی غرب، رشد بلندمدت اقتصاد را تامین نمود. لوین (۲۰۱۲) نیز معتقد است سیاستهای مالیاتی از دو طریق جابه جایی در تمایلات سرمایه گذاری و تغییر در شرایط قراردادهای مالی بر رشد اقتصادی اثر می گذارند. در خصوص اثرات معافیت های مالیاتی بر رشد نیز رپتی و کرون (۲۰۱۳) با تاکید بر تاثیر بلندمدت توزیع نامتوازن درآمدها بر رشد اقتصادی، نقش معافیت های بلندمدت را در رشد قابل توجه دانسته اند.

در خصوص نقش معافیت های مالیاتی بر رشد و توسعه منطقه ای در کشور، مطالعه قابل توجهی یافت نشد، اما در سطح کلان، مطالعه جعفری صمیمی و حسن زاده جزدانی(۱۳۸۰) درباره تاثیر نظام

مالیاتی بر رشد اقتصادی، نشان از ضعیف بودن این اثر داشته است. موسوی و حکمت نیا(۱۳۸۴) در بررسی عوامل موثر بر توسعه انسانی، عوامل مهم را به ترتیب مولفه‌های جمعیتی مانند آموزش، بهداشت، درمان، تسهیلات مسکن، اشتغال، مولفه‌های اقتصادی- اجتماعی و راهها می دانند. همچنین یزدان پناه و همکارانش (۱۳۸۷) با استفاده از روش توزیع مقداری به این نتیجه رسیده اند در صورتی‌که درآمدهای مالیاتی برای اجرای برنامه های اجتماعی و اقتصادی حمایتی بکار گرفته شود می تواند منجر به بهبود وضعیت توزیع درآمد گردد. نادران (۱۳۸۷) در مطالعه خود نشان داده است که برخی از انواع مالیات از جمله مالیات بر فروش رابطه معناداری با اقتصاد زیرزمینی دارد. برامکی یزدی(۱۳۸۷) در مطالعه ای شاخص توسعه انسانی را به عنوان یکی از بهترین نماگرهای سطح توسعه در کشورهای مختلف در نظر گرفته است. قلی زاده (۱۳۸۸) در جستجوی ابزارهایی برای سیاست‌گذاری در بخش مسکن با بررسی تجربیات سایر کشورها، الگوی مالیات بر عایدی سرمایه را به عنوان ابزاری موثر در این راستا معرفی می کند. بهشتی و زالی(۱۳۸۹)، با استفاده از روش دلفی به این نتیجه رسیده اند که مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی سکونت‌گاهها، پیوندها (اقتصادی، اجتماعی، ملی، فراملی و فیزیکی)، علم و تکنولوژی، تولید، محیط طبیعی – اجتماعی، شبکه های زیربنایی و شاخص های کلان (همگرایی، منطقه ای، کارکرد میان منطقه ای، شیوه مدیریت منطقه آزاد)، عوامل موثر بر توسعه منطقه ای است. آذربایجانی و همکارانش (۱۳۹۱) نیز در مطالعه ای تاثیر رشد نرخ مالیاتی بر رشد اقتصادی در ایران در دوره ۸۴-۱۳۵۴ را منفی برآورد کرده اند. در نهایت اینکه در مورد اثرات معافیت های مالیاتی بر کارایی منطقه ای و یا متغیرهای نزدیک به آن (رشد یا توسعه منطقه ای) در ایران به خصوص در مورد معافیت های مناطق محروم تا کنون مطالعه ای انجام نشده است.

۳- مروری بر مبانی نظری

۳-۱- اقتصاد مالیات ها و کارایی اقتصادی منطقه ای

مالیات منبع اصلی درآمدهای دولت جهت انجام وظایفش محسوب می شود. نظریه های اقتصادی نشان می دهد که در شرایط معمول، فعالیت های اقتصادی دولت موجب کاهش کارایی اقتصادی است، اما از آنجا که مالیاتها ابزار بسیار مهمی در اجرای سیاست های اقتصادی شناخته شده و از عمده متغیرهایی است که دولت از طریق استفاده از آن در متغیرهای کلان اقتصادی مثل رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و .... اثر می گذارد، از نظر کینز این ابزار نه فقط برای تامین هزینه های

تولید کالای عمومی بلکه برای اجرای سیاست های اقتصادی دولت نیز کارآمد است (پژویان،۱۳۸۶: ۸۶). با این توضیح، مالیات ها به طور نسبی به مالیات های کارا و مالیات های ناکارا تقسیم می شوند. بر مبنای ادبیات موجود، مالیات های کارا انواعی هستند که وضع آنها کمترین تاثیر را در کاهش تولید داشته باشد. در این صورت و به عنوان مفهوم مخالف، معافیت های مالیاتی زمانی از کارایی بیشتر برخوردار خواهند بود که در شرایط نبود آنها، سطح تولید به میزان قابل توجهی پایین بوده باشد (کارایی در معافیت ها مخالف مفهوم کارایی در مالیات است).

در چارچوب تحلیل های اقتصاد خرد، در صورت کشش پذیر بودن منحنی های عرضه یا تقاضا در بازارها، اخذ مالیات از تولید کننده منجر به افزایش هزینه های تولیدی شده، با برگشت به عقب منحنی عرضه، میزان تولید تعادلی در بازار کاهش می یابد. این مبحث با عنوان ناکارایی مالیاتی مطرح می گردد. براین اساس در چارچوب تحلیل های منطقه ای، کاهش مالیات ها به صورت عمومی از طریق کاهش هزینه تولید، منجر به افزایش سطح تولید و جهش نرخ رشد درآمد سرانه در منطقه دست کم به طور موقت می گردد.

در نظریه اقتصاد کلان نیز مالیات می تواند باعث ناکارآمدی در اقتصاد و کاهش تولید شود. این مضمون در قالب الگوی درآمد- مخارج کینز قابل بیان است. طبق فرض اساسی مدل کینز، عرضه کاملا کشش پذیر است. فرض مبنایی مدل این است که به محض تحقق تقاضا، تولید و عرضه آن را همراهی می کند. یعنی معادل هر تقاضایی که ایجاد می شود، عرضه و تولید افزایش می یابد به این صورت که یک واحد افزایش در تقاضا، به چند برابر افزایش در تقاضا و درآمد منجر می شود (شاکری، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۵). این مضمون در مفهوم ضریب تکاثر متجلی شده است:

$$k = \frac{1}{1-c(1-t)} \frac{\partial k}{\partial t} \leq 0 \qquad (۱)$$

براساس معادله ۱، افزایش نرخ مالیات منجر به کاهش ضریب تکاثر و از آن طریق کاهش اثر نهایی افزایش در اجزاء تقاضا (مصرف بخش خصوصی، مخارج دولتی، سرمایه گذاری و خالص صادرات) بر تقاضای کل خواهد شد. از سوی دیگر کاهش مالیات، باعث افزایش درآمد قابل تصرف و از آن جهت تاثیر بر مصرف بخش خصوصی می شود (رحمانی، ۱۳۷۸:۹۰). براین اساس در چارچوب تحلیل منطقه ای، کاهش مالیات می تواند با تحریک تقاضای کل، باعث افزایش تولید شود.

براساس مفهوم ارائه شده از کارایی مالیاتی، انواع سیاستهای مالیاتی (اعم از وضع مالیات یا تخفیف آن) می تواند به رشد یا رکود تولید منجر شود. بر این اساس می توان نقش سیاست ها یا معافیت های مالیاتی بر کارایی اقتصادی مناطق را از کانال دو شاخص کلیدی یعنی رشد اقتصادی منطقه ای و توسعه اقتصادی منطقه ای پیگیری نمود. مبانی نظری و نحوه اثرگذاری معافیت های مالیاتی بر دو شاخص مذکور و مدل های محاسباتی آن در ادامه بیان شده است.

۳-۲- رشد اقتصادی

۳-۲-۱-تاریخچه و انواع مدل های تبیین کننده رشد اقتصادی

در بحث تاریخچه مدل های رشد اقتصادی، اولین نظریات به مکتب اقتصاد کلاسیک و سردمدار آن، آدام اسمیت بر می گردد (شاکری،۱۳۸۷ :۵۸۲). در ادامه جان مینارد کینز ادعا کرد که پدیده بیکاری با ناتوانی تقاضا در اقتصاد ارتباط دارد. اولین کوشش علمی برای توسعه الگوی کینزی به منظور بررسی بلندمدت رشد اقتصادی، توسط روی هاروود و اوسی دومار صورت گرفت(برمز، ۱۹۶۳). در ادامه مدل رشد نئوکلاسیک مطرح شد. از دهه ۱۹۸۰ نظریه‌پردازان رشد، مانند کلاسیک های اولیه، به نظریات رشد درونزا روی آوردند. افرادی از جمله بارو به توسعه نظریه رشد درونزا پرداختند که مخارج عمومی را به عنوان جزئی مولد و به جهت تاثیرات خارجی مثبت قابل توجه، به معادله رشد افزود. از نظر وی بخش دولتی با مخارج کارای خود، می تواند موجب رشد بهره وری کلی عوامل تولید و در نهایت تقویت رشد اقتصادی شود (شاکری،۱۳۸۷ : ۶۳۳). مهمترین مدلهای رشد مبتنی بر عرضه، مدل های سولو و رشد درونزا هستند. بعدها افرادی از جمله بارو عوامل دیگری از جمله مخارج دولتی را به این مدل ها اضافه کردند (بارو و سالایی مارتین، ۱۹۹۹: ۱۶۰-۱۵۱).

رابرت سولو در سال ۱۹۵۶ مقاله ای در مورد رشد و توسعه اقتصادی تحت عنوان "مشارکت در نظریه رشد اقتصادی" منتشر کرد. در مدل رشد سولو، این موضوع که چرا بعضی کشورها رشد مستمر و خوب دارند و بعضی کشورها رشد ناچیزی دارند، مطرح می شود. او یک تابع تولید کاب-داگلاس را در نظر می گیرد که بازدهی ثابت نسبت به مقیاس را نمایش می دهد. در این مدل فرض می شود که وضعیت تکنولوژی و پیشرفت فنی برونزاست (شاکری، ۱۳۸۷ :۵۸۶).

در مدل های رشد درونزا کلید رشد، ارائه ایده های جدید است. ایده ها، تکنولوژی تولید را ارتقا می دهند و ایده جدید، این امکان را فراهم می کند که ترکیب معینی از نهاده ها، به تولید بیشتر یا تولید محصول بهتر، منجر شود. پال رومر در اواسط دهه ۱۹۸۰ رابطه میان اقتصاد ایده ها و رشد

اقتصادی را فرموله کرد (رومر، ۱۹۹۴). از دید رومر رقابت ناپذیر بودن ایده ها، موجب بروز بازدهی نسبت به مقیاس فراینده در اقتصاد می شود (جونز، ۲۰۰۵).

نظریه پردازان متعددی ازجمله بارو، به ارائه مدل هایی با ماهیت رشد درونزا پرداخته اند. در مدل های رشد درونزا، بازده سرمایه گذاری، به معادل ثابت A^* میل می کند:

$$f(k) = r = A^* \qquad (۲)$$

بارو مدلی را در نظر می گیرد که در آن مخارج عمومی، جنبه مولد دارد و بر رشد تولید در اقتصاد اثر می گذارد. براساس مدل وی افزایش مخارج سرمایه گذاری های بخش دولتی موجب افزایش بازدهی سایر نهاده های تولید می شود. وی تابع تولید اقتصاد را به شکل زیر تصریح می کند:

$$Y = AK^{1-a}g^{a} \qquad (۳)$$

معادله رشد تعادلی بارو در نهایت به شکل زیر بیان می شود:

$$y = \frac{(1-a)A^{\frac{1}{1-a}}a^{\frac{a}{1-a}}-\rho}{\sigma} \qquad (۴)$$

در معادله بالا، ρ و σ به ترتیب عبارتند از نرخ ترجیح زمانی و معکوس کشش جانشینی بین دوره ای مصرف.

در این مقاله به منظور تحلیل اثرات معافیت های مالیاتی بر رشد اقتصادی منطقه ای، از مدل رشد درونزا و تعمیم یافته بارو استفاده شده است. در ادامه این مدل و الگوی ورود اثرات معافیت های مالیاتی به آن تبیین شده است.

۳-۲-۲- مدل رشد درونزای تعمیم یافته (مدل بارو) و نقش دولت در آن

در مدل رشد درونزای تعمیم یافته (مدل بارو یا مدل AK) هر چیزی که سطح تکنولوژی مبنا (A) و نرخ رشد سرمایه را در بلند مدت تحت تاثیر قرار دهد، بررسی می شود. نشان داده می شود که فعالیت های مختلف دولت، می تواند بر ضریب A و بر نرخ رشد، تاثیر گذار باشد. فعالیت های دولت شامل خدمات زیر ساختی، حمایت از حقوق مالکیت و تعیین مالیات فعالیت های اقتصادی است.

در این مدل، فرض می شود که دولت بخشی از تولید بخش خصوصی را خریداری می کند و از این منابع، برای فراهم کردن خدمات عمومی رایگان برای تولید کنندگان بخش خصوصی استفاده می کند. مخارج دولت (G) به عنوان کالای عمومی محض (رقابت ناپذیر و تفکیک ناپذیر) در نظر

گرفته می شود که استفاده هر بنگاه از آن، مانع استفاده دیگران نخواهد بود. همچنین فرض می شود فرآیند تولید هر بنگاه نوعی (بنگاه i) در قالب یک تابع کاب داگلاس به شرح زیر قابل توضیح است:

$$Y_i = AL_i^{1-\propto} . k_i^{\propto} . G_i^{1-\propto} \text{ و } 0 < \propto < 1 \qquad (۵)$$

در معادله فوق در صورتی‌که نیروی کار (L) و مخارج دولتی (G) ثابت باشد، اقتصاد با بازدهی کاهنده سرمایه کل (K) مواجه خواهد بود. اما در صورتی‌که مخارج دولتی به موازات سرمایه افزایش یابد، کاهش بازدهی عامل سرمایه بوجود نخواهد آمد. این بدان معناست که این تابع تولید، بازده ثابت در K_i و G برای L_i ثابت را نتیجه خواهد داد. به همین دلیل اقتصاد قادر به رشد درونزاست. این شکل از تابع تولید، نشان می دهد که خدمات عمومی و تولید بخش خصوصی، مکمل هم هستند، یعنی افزایش در G، بازده نهایی L_i و K_i را افزایش می دهد. بسیاری از فعالیتهای دولتی از قبیل بزرگراهها، سیستم آب و برق، خدمات پلیس و آتش نشانی، دادگاهها، نقش نهاده هایی برای تولید را ایفا می کنند. به همین جهت بارو و سالایی مارتین در سال ۱۹۹۲ تابع تولید برای تولید کننده نوعی را به صورت ذیل ارائه دادند:

$$Y_i = AK_i . f\left({}^{G}/_{Y}\right) \qquad (۶)$$

براساس معادله فوق، یک افزایش در نسبت مخارج دولتی به کل تولید (${}^{G}/_{Y}$)، Y_i برای K_i داده شده را افزایش می دهد. به دلیل انباشتگی، یک افزایش درY برای G داده شده، خدمات عمومی در دسترس را برای هر تولید کننده کاهش می دهد و لذا باعث کاهش Y_i می شود. فرض فرمول این است که نسبت مخارج دولتی به تولید کل به منظور گسترش خدمات عمومی برای هر استفاده کننده باید افزایش یابد. برای خدمات عمومی مانند بزرگراهها یا سیستم آب و برق، طبیعی است که نسبت ${}^{G}/_{Y}$ بطور مستقیم در معادله تولید وارد شود. اموری از قبیل خدمات پلیس، دستگاه قضایی و امنیت ملی که حقوق مالکیت را حفظ می کنند می تواند به عنوان عاملی موثر جهت حفظ حقوق مالکیت مردم نسبت به دارائی هایشان بررسی شود که انگیزه و محرکی جهت انباشت سرمایه و تولید است.

اگر توان عامل G در معادله بالا کمتر از $1-\propto$ باشد، بازدهی مجموع دو عامل K_i و G کاهنده خواهد بود و این عامل، ممکن است رشد درونزا را نفی کند. لذا بارو فرض می کند که کشش تولید نسبت به عامل مخارج دولتی (G) برابر با $1-\propto$ است (بارو و سالایی مارتین، ۱۹۹۹: ۱۵۳).

براساس تابع تولید فوق و با لحاظ تامین مالی دولت از طریق اخذ مالیات با نرخ ثابت و توازن بودجه دولت (یعنی $G = tY$) و نیز با فرض ثابت بودن نسبت مخارج دولت به تولید کل (G/Y) در طول زمان، سود بنگاه نوعی، بعد از مالیات به شکل زیر خواهد بود:

$$L_i.\left[(1-\tau).A.k_i^{\propto}.G^{1-\propto} - w - (r+\delta).k_i\right] \qquad (۷)$$

در معادله بالا w، $r+\delta$ و k_i به ترتیب عبارتند از نرخ دستمزد، نرخ اجاره بها و سرمایه سرانه. با اعمال شرایط تعادل بلندمدت بنگاه (حداکثرسازی سود و قراردادن آن برابر صفر) نرخ دستمزد برابر خواهد بود با تولید نهایی نیروی کار بعد از مالیات و نرخ اجاره برابر خواهد بود با تولید نهایی سرمایه، بعد از مالیات. براین اساس نرخ اجاره به صورت زیر تعیین خواهد شد:

$$R-\delta = (1-\tau).\left(\partial Y_{i/}\,\partial K_i\right) = (1-\tau).\propto A.K^{-(1-\propto)}.G^{1-\propto} \qquad (۸)$$

براساس نتایج فوق، دولت از دو طریق بر رشد اثر می گذارد: عبارت $1-\tau$ تاثیر منفی مالیات را بر بازده نهایی سرمایه پس از وضع مالیات نشان می دهد و عبارت $\tau(1-\propto)/\propto$ تاثیر مثبت مخارج (خدمات) عمومی (G) را بر بازده نهایی سرمایه نشان می دهد. در مقدار کم τ، تاثیر مثبت نسبت G/Y بر بازده نهایی سرمایه غالب است و میزان تولید (Y) با رشد نرخ مالیات (τ) افزایش می یابد. با افزایش نرخ مالیات، تاثیر نامطلوب آن نیز افزایش می یابد و در نقطه اوج تولید (Y)، افزایش نرخ مالیات باعث کاهش میزان تولید می شود (همان منبع: ۱۵۵-۱۵۴).

در مدلهای کاربردی رشد درونزای بارو، نحوه و میزان تاثیر مخارج دولتی و نیز نرخ مالیات بر رشد اقتصادی در خصوص اقتصادهای مختلف سنجیده می شود.

۳-۲-۳- توسعه اقتصادی و توسعه منطقه ای

خاستگاه توسعه اقتصادی، آمریکای لاتین در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و نیز اروپای غربی به ویژه انگلستان و امریکای شمالی در دوره ۱۵ ساله از ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۸ است(هانت،۶۳:۱۳۸۶). ادامه حرکت سریع به سمت استقلال طلبی مستعمرات سابق در آسیا و آفریقا زمینه ای را برای ظهور اقتصاد توسعه به عنوان موضوعی متفاوت ایجاد نمود (پومفرت،۲۳:۱۳۷۶-۲۲). اقتصاددانان توسعه در دهه ۱۹۵۰، بر رشد اقتصادی تاکید می کردند و نظریاتی چون فشار بزرگ[1]، رشد متوازن[2]، جهش به سمت رشد پایدار[3] و نظریه تلاش حداقلی بحرانی[4] را مطرح کردند. اهداف اقتصاد و اهداف توسعه در دهه ۱۹۶۰ را می‌توان در سه بخش عمده برشمرد که عبارتند از رشد تولید ناخالص داخلی، شکست استراتژی‌های توسعهٔ مبتنی برGNP و مطرح کردن برنامهٔ اشتغال جهانی توسط سازمان جهانی کار(سمیعی و مقصودی،۱۳۸۹؛ همتی،۸۸:۱۳۸۸؛ سلیمی،۹۲:۱۳۷۵). نظریه ها در دهه ۱۹۸۰، به منظور توسعه کشورهای در حال توسعه و کاهش فقر، سیاست های تعدیل ساختاری و تثبیت را مد نظر قرار دادند(بارو و سالایی مارتین، ۱۹۹۹). در نیمه اول دهه ۱۹۹۰، غیر از نظریات تعدیل و تثبیت، تغییرات نهادی عمیق و ریشه‌ای جهت نیل به تعدیل اقتصادی موفق و توسعهٔ اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفتند. حکمرانی خوب[5] و ساز و کار نهادها و نظریه سرمایه اجتماعی به عنوان مکملی برای سایر سرمایه ها و نظریه توسعه پایدار، به عنوان نظریه های جدید، محصول این بازهٔ زمانی بود (سمیعی نسب و مقصودی، ۱۳۸۹). از مهمترین وقایع نظری توسعه در دهه پایانی قرن بیستم، پذیرش عمومی شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری برای سنجش سطح توسعه اقتصادی بود (اکبری،۱۳۷۸: ۱۶-۱۵). در قرن بیست و یکم نیز این شاخص در رصد تغییرات توسعه اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است. این شاخص در سال ۱۹۹۰ توسط متفکران توسعه از جمله پروفسور جمال الحق به عنوان مقیاس اندازه گیری توسعه معرفی شد. اساس معرفی این شاخص بر این ایده استوار بود که لازمه پیشرفت جوامع، علاوه بر رسیدن به رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیتهای انسانی است (همان منبع: ۲۸-۲۶).

---

1. Big Push
2. Balanced Growth
3. Take-off into Sustained Growth
4. Critical Minimum Effort Theory
5. Good governance

اما در برنامه های توسعه، برنامه ریزی منطقه ای به مرور جایگاه مهمی را به خود اختصاص داد. در اوائل دهه ۱۹۴۰ جهت گیری برنامه ریزی تغییر یافت و برنامه ریزی منطقه ای، ملازم برنامه ریزی ملی شد. برنامه ریزی منطقه ای به خصوص برای مناطقی که با کسادی اقتصادی مواجه بودند، به عنوان بخش مهمی از روش های مدیریت تقاضای کینز مطرح گردید (کلانتری،۱۳۸۰: ۴۵-۴۳). بنیان های فلسفی برنامه ریزی منطقه ای ابتدا توسط بنتن ماکی در سال ۱۹۲۸ " پایه ریزی شد. برنامه ریزی منطقه ای معاصر از نظر قلمرو، بسیار جامع تر از مفهومی است که در دهه ۱۹۲۰ در رابطه با کاربری اراضی مطرح بود. در این رویکرد فعالیت های توسعه‌زا براساس قابلیت های منطقه ای هدایت می شوند. بنابراین دارایی های اقتصادی، ساختار سازمانی، نهادها و مناسبات خارجی عنصرهای نقش ساز در توسعه منطقه ای هستند (معصومی اشکوری،۵۶:۱۳۸۵). فرایند توسعه در یک منطقه، حاصل نظام پیچیده ای از فعالیت های توسعه‌زای دولتی و غیر دولتی است. توسعه منطقه ای، ارتقای سطح تولیدات اقتصادی، خدمات و رفاه اجتماعی و بالا بردن درآمد منطقه و سطح زندگی مردم در منطقه است که بر اساس شناخت خصوصیات کمی و کیفی منطقه صورت می گیرد (همان منبع:۶۶).

در مطالعات توسعه منطقه ای نیز تعیین شاخص های توسعه، مهمترین گام است(کلانتری،۱۱۴:۱۳۸۰). یکی از مهمترین رویکردها در طراحی شاخص های توسعه منطقه ای، بهره برداری از شاخص های توسعه اقتصادی در سطوح ملی است. برهمین اساس و طبق آنچه پیشتر گفته شد، در این تحقیق از شاخص توسعه انسانی منطقه ای[1] استفاده شده که معادل مقادیر شاخص مورد نظر در سطوح مناطق (استانهای) کشور است. این شاخص سه مولفه اصلی درآمد سرانه، امید به زندگی (سطح بهداشت) و آموزش (نرخ باسوادی) را شامل می شود. نحوه دقیق محاسبه این شاخص برای استان های کشور در بخش های آتی تشریح شده است.

۳-۲-۴- تاثیر معافیت های مالیاتی بر توسعه منطقه ای

معافیت های مالیاتی از طرق مختلفی سطح توسعه را در کل اقتصاد و نیز در سطح مناطق تحت تاثیر قرار می دهد. همانطور که در مبحث قبل گفته شد معافیت مالیاتی در سطح خرد و کلان می تواند بر میزان تولید و نرخ رشد اقتصادی اثرگذار باشد. این امر به نوبه خود کاهش قیمت ها در مناطق را باعث می شود. افزایش تولید همچنین باعث افزایش درآمد منطقه و در نتیجه درآمد خانوارها می

1 . Regional Human Development Indicator (RHDI)

گردد. با افزایش سطح درآمد، خانوارها سهم بیشتری از درآمد خود را به آموزش و بهداشت اختصاص خواهند داد که این منجر به بالا رفتن سطح توسعه انسانی منطقه خواهد شد. بر این مبنا به طور خلاصه معافیت های مالیاتی تحت چنین شرایطی می تواند باعث رشد تولید سرانه، ارتقاء بهداشت و سطح آموزش و در نهایت ارتقاء شاخص توسعه انسانی در مناطق گردد. همچنین اگر معافیت ها، باعث افزایش فزاینده تولید شود، منابع مالیاتی جدید دولت، ممکن است به میزانی بیش از مقدار قبل از معافیت ها، افزایش یابد و دولت توان بیشتری خواهد داشت که از منابع جدید، در زمینه آموزش و بهداشت سرمایه گذاری کند و این سرمایه گذاری بر سطح توسعه مناطق موثر خواهد بود. براین اساس معافیت های مالیاتی به طور کلی از دو مسیر اصلی بر سطح توسعه مناطق تاثیر می گذارد:

الف) اثرگذاری از طریق تغییر در مقدار تولید (نرخ رشد، ارزش افزوده یا ...): با فرض تاثیر معافیت های مالیاتی بر افزایش تولید در سطح منطقه، اولا: درآمد سرانه که اولین فاکتور در شاخص توسعه انسانی است افزایش می یابد، ثانیا: به جهت افزایش سطح درآمد اهالی، هزینه های مردم منطقه بر روی بهداشت و آموزش که فاکتورهای دوم و سوم در شاخص توسعه انسانی است افزایش می یابد. ثالثا: افزایش تولید، حتی با وجود کاهش نرخ متوسط مالیات می تواند منجر به افزایش درآمدهای دولت محلی گردد؛ در صورتی‌که افزایش در پایه مالیاتی بیشتر از کاهش در نرخ مذکور باشد، افزایش درآمدهای دولتی می تواند موجب ارتقاء خدمات بهداشتی و درمانی در منطقه شده، به بهبود شاخص سرمایه انسانی در منطقه کمک نماید.

ب) اثرگذاری از طریق کاهش درآمدهای دولتی: در صورتی‌که در نتیجه معافیت های مالیاتی (کاهش نرخ متوسط مالیات) در منطقه، مقدار افزایش در تولید به میزانی نباشد که درآمد دولتی از دست رفته در نتیجه معافیت ها جبران گردد، این معافیت ها موجب کاهش درآمدهای دولتی و در نتیجه کاهش خدمات بهداشتی و آموزشی در سطح منطقه می گردد. در این شرایط اثر معکوس معافیت های مالیاتی بر شاخص توسعه انسانی در منطقه نمایان می شود.

با توجه به مقدمات فوق، مدل مفهومی نحوه اثرگذاری معافیت های مالیاتی بر شاخص توسعه انسانی در سطح مناطق در نمودار ۱ نشان داده شده است.

نمودار(۱)- فرآیند تاثیر معافیت های مالیاتی منطقه ای بر شاخص توسعه انسانی منطقه ای

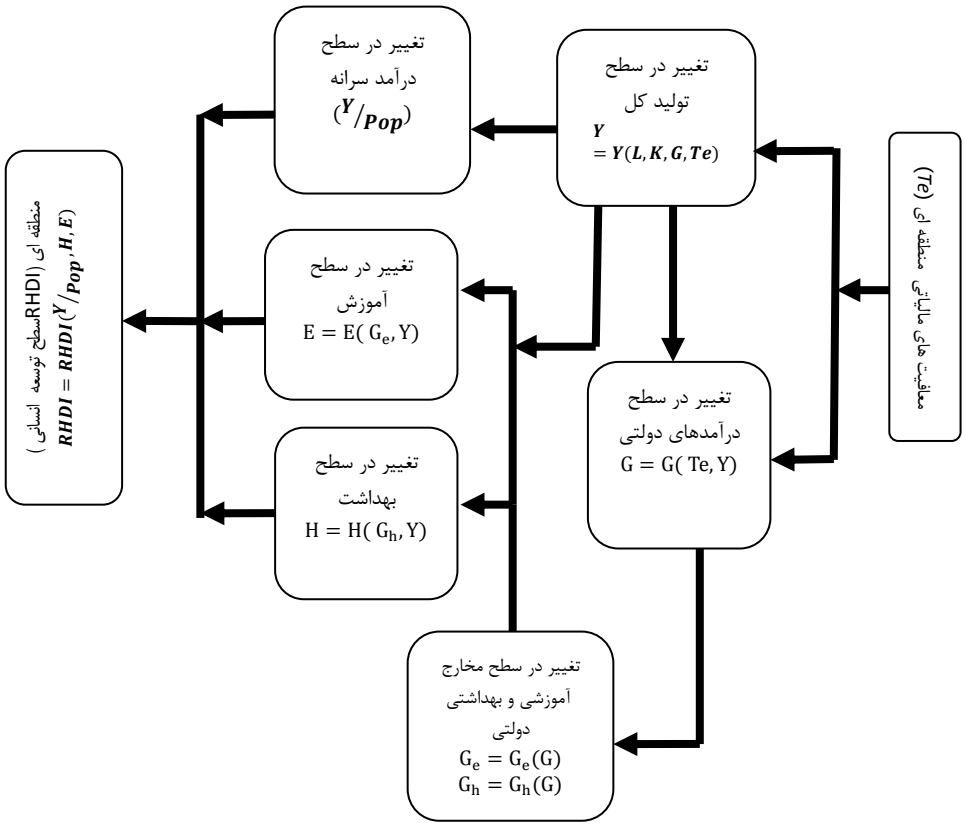

۳-۲-۴-۱- تاثیر معافیت های مالیاتی بر رشد و توسعه منطقه ای (تصریح مدل ها و داده ها)

براساس مبانی نظری ارائه شده در قسمت های پیشین، معافیت های مالیاتی می تواند از طریق ارتقاء انگیزه تولیدکنندگان بر سطح تولید در مناطق و نرخ تغییرات آن (نرخ رشد تولید منطقه ای) و همچنین بر شاخص توسعه انسانی منطقه ای موثر باشد. در این قسمت مدل های کاربردی مورد استفاده در برآورد اثرات معافیت های مالیاتی منطقه ای در ایران (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر رشد اقتصادی مناطق و توسعه اقتصادی مناطق (استانهای) کشور معرفی می گردد.

۳-۲-۴-۲- تاثیر معافیت های موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م بر رشد اقتصادی منطقه ای در ایران(مدل نهایی)

معادله رفتاری نهایی براساس نظریه رشد بارو و سالایی مارتین به شکل کاب داگلاس و به فرم معادله شماره ۹ در نظر گرفته شده است:

$$Y = A^{\alpha_0}.L^{\alpha_1}.K^{\alpha_2}.Ge^{\alpha_3}.Te^{\alpha_4} \qquad (۹)$$

در معادله فوق، Y،A،LK،Ge و Te ماتریس هایی هستند که به ترتیب عبارتند از سطح تولید ناخالص داخلی استانها، سطح سرمایه انسانی در استانها، میزان اشتغال در استانها، سطح موجودی سرمایه در استانها، مجموع مخارج دولتی استانها و شاخص معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م).

در معادله فوق که متغیر سمت راست معادله فوق، متغیرهای توضیحی هستند که تغییرات آنها در طول زمان مبتنی بر نظریه رشد بارو و سالایی مارتین بر نرخ رشد اقتصادی مناطق موثر است. متغیر پنجم به نمایندگی از عامل معافیت های مالیاتی مناطق محروم به منظور آزمون تاثیر معافیت های مذکور بر پسماند رشد اقتصادی مناطق که توسط چهار عامل اول توضیح داده نشده است وارد می شود.

متغیر وابسته (Y) سطح تولید ناخالص داخلی استان های سی گانه کشور است که اطلاعات مربوط به آن از نشریه حساب های منطقه ای (انتشارات مرکز آمار ایران) استخراج شده است.

با سرمایه گذاری در آموزش، سطح مهارت و تخصص نیروی کار و به تبع آن سطح سرمایه انسانی منطقه افزایش یافته و همین امر باعث افزایش تولید و استفاده از سرمایه های مادی و به کارگیری بهینه آنها می شود. برای شاخص سازی این متغیر (سطح سرمایه انسانی A) از آمار مربوط به تعداد شاغلان دارای تحصیلات عالی استفاده شده است. به این منظور به شاغلان فوق دیپلم ضریب یک، به شاغلان لیسانس ضریب دو، به شاغلان فوق لیسانس ضریب چهار و به شاغلان دکتری ضریب هشت اختصاص داده شد. آمار مربوط به این شاخص از نشریات مرکز آمار ایران (سرشماری نفوس و مسکن، آمارنامه استانها و ...) استخراج شده است. به منظور شاخص سازی متغیر توضیحی دوم (نیروی کار L) از آمار مربوط به تعداد نیروی کار شاغل در بخش های مختلف تولیدی در هر استان استفاده شده است. منبع این داده ها، نشریات مرکز آمار ایران است. به جهت عدم وجود اطلاعات در خصوص حجم سرمایه منطقه ای در سطوح استان ها، متغیر توضیحی سوم (حجم

سرمایه فیزیکی K) براساس آمار مربوط به سرمایه گذاری ناخالص در استان ها محاسبه شده است. بدین جهت ابتدا مجموع سرمایه گذاری های ناخالص در پنج سال اول به عنوان موجودی اولیه سرمایه در نظر گرفته شده و سپس با اضافه نمودن ارزش سرمایه گذاری های ناخالص در سالهای بعد پس از کسر استهلاک سرمایه ارزش مقدار سرمایه منطقه در سالهای بعد برآورد شده است. آمار مربوط به ارزش ناخالص سرمایه گذاری در استانها از نشریات مرکز آمار ایران (آمارنامه های استانی و ...) استخراج شده است. برای کمی سازی متغیر توضیحی چهارم (مخارج دولتی در استانها Ge) نیز از شاخص مجموع مخارج جاری و سرمایه ای دولت در منطقه (صرفا مربوط به بودجه های استانی) شده است. اطلاعات مربوط به این داده ها از آمارنامه های استانی در سالهای مختلف استخراج شده است.

معافیت های مالیاتی منطقه ای (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م)، متغیر توضیحی اصلی است که پژوهش حاضر به منظور بررسی اثرات آن بر نرخ رشد اقتصادی منطقه ای ایران انجام شده است. همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، معافیت مالیاتی برای حمایت از یک منطقه مشخص، فعالیت ویژه و یا به منظور کمک به قشری خاص، اعطا می شود. یکی از اهداف معافیتهای مالیاتی منطقه ای، توسعه و تقویت بنیه اقتصادی مناطق خاص است. در این روش، دولت، با برقراری سیاست حمایت از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی مناطق مورد نظر، زمینه را برای انتقال سرمایه و سایر منابع به مناطق مذکور، فراهم می کند. به همین جهت مبتنی بر مبانی نظری، این عامل می تواند سطح و نرخ رشد اقتصادی مناطق را تحت تاثیر قرار دهد.

براساس ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ (که تا پایان برنامه چهارم توسعه تنفیذ شده است) درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه های ذیربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرار داد استخراج و فروش منعقد می شود از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان هشتاد درصد و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صد درصد و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف هستند. طبق تبصره ۱ این قانون، فهرست مناطق کمتر توسعه یافته برای بقیه مدت برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران همچنین در آغاز هر دوره برنامه توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و صنایع

و معادن تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد (آخرین اصلاحات مصوب۱۳۸۰/۱۱/۲۷ قانون مالیات های مستقیم).

به منظور شاخص سازی عامل معافیت های مالیاتی موضوع ماده فوق، تعداد بخشهای محروم هر استان (موضوع مصوبه هیات وزیران برای برنامه پنج ساله سوم و چهارم توسعه) در ضریب محرومیت هر بخش ضرب شده، عدد حاصل بر تعداد بخشهای استان تقسیم گردید که در نتیجه ضریب محرومیت متوسط هر بخش، در هر استان، به دست آمد. ضریب مذکور به عنوان شاخص معافیت های مالیاتی مناطق محروم موضوع ماده فوق الذکر در نظر گرفته شد.

برآورد ضرایب معادله ۹، مستلزم این است که متغیر وابسته نسبت به ضرایب به شکل خطی تصریح شود. به این منظور، از طرفین معادله بالا لگاریتم طبیعی (ln) گرفته می شود. معادله نهایی که با استفاده از تکنیک GLS در قالب روش داده های تلفیقی ($Panel\ DataGLS$) برآورد می شود به شکل زیر بیان می شود:

$$ln(Y) = \alpha_0 ln(A) + \alpha_1 ln(L) + \alpha_2 ln(K) + \alpha_3 ln(G) + \alpha_4 ln(Te) + \varepsilon \qquad (۱۰)$$

۳-۲-۴-۳- تاثیر معافیت های موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م بر توسعه اقتصادی منطقه ای در ایران(مدل نهایی)

براساس مبانی نظری تحقیق و مدل مفهومی ارائه شده در قسمت های قبل و نیز مبتنی بر متغیرهای معرفی شده، در تحلیل تاثیر معافیت های مالیاتی (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر توسعه منطقه ای در ایران، اثرات ناشی از معافیت های مذکور از دو مسیر کلی وارد می شود. معادله رفتاری نهایی به شکل کاب داگلاس و به فرم معادله شماره ۱۱ در نظر گرفته شده است:

$$RHDI = A^{\alpha_0}.L^{\alpha_1}.K^{\alpha_2}.Ge^{\alpha_3}.Te^{\alpha_4} \qquad (۱۱)$$

در معادله فوق، $RHDI$،A،LK،Ge و Te ماتریس هایی هستند که به ترتیب عبارتند از سطح توسعه انسانی استانها، سطح سرمایه انسانی در استانها، میزان اشتغال در استانها، سطح موجودی سرمایه در استانها، مجموع مخارج دولتی استانها و شاخص معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م).

در این معادله، ضرایب α_0 تا α_4 نشان دهنده کشش شاخص توسعه انسانی منطقه ای نسبت به متغیرهای توضیحی (به ترتیب، سرمایه انسانی، حجم نیروی کار، حجم سرمایه، مخارج دولتی و

معافیت های مالیاتی) هستند. متغیر پنجم به نمایندگی از عامل معافیت های مالیاتی مناطق محروم به منظور آزمون تاثیر معافیت های مذکور بر پسماند توسعه اقتصادی مناطق که توسط چهار عامل اول توضیح داده نشده است، وارد می شود.

متغیر وابسته ($RHDI$) سطح توسعه انسانی استان های سی گانه کشور است که اطلاعات مربوط به آن از نشریه حساب های منطقه ای (انتشارات مرکز آمار ایران) استخراج شده است. به این منظور، شاخص مذکور برای استان های کشور در دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ تولید شده است. شاخص توسعه انسانی، از ترکیب سه زیرشاخص سطح آموزش، سطح درآمد سرانه و سطح بهداشت (امید به زندگی) محاسبه می شود. شاخص محاسبه شده، عددی بین صفر و یک است. با توجه به این شاخص، کشورهای جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای با توسعه انسانی بالا (HDI بالاتر از ۰/۸)؛ با توسعهٔ انسانی متوسط (HDI بین ۰/۵ و ۰/۸) و با توسعه انسانی پایین (HDI کمتر از ۰/۵) (صادقی ،۱۳۸۹). شاخص سازی متغیرهای توضیحی نیز تماما براساس آنچه در قسمت قبل گفته شد انجام شده است.

برآورد ضرایب معادله ۱۱، مستلزم این است که متغیر وابسته نسبت به ضرایب به شکل خطی تصریح شود. به این منظور، از طرفین معادله بالا لگاریتم طبیعی (ln) گرفته می شود. معادله نهایی که با استفاده از تکنیک GLS در قالب روش داده های تلفیقی ($Panel\ Data\ GLS$) برآورد می شود به شکل زیر بیان می شود:

$$ln(RHDI) = \alpha_0 ln(A) + \alpha_1 ln(L) + \alpha_2 ln(K) + \alpha_3 ln(G) + \alpha_4 ln(Te) + \varepsilon \qquad (۱۲)$$

در معادله فوق، α_0 کشش شاخص توسعه انسانی منطقه ای نسبت به عامل سرمایه انسانی است؛ بدین معنا که نشان می دهد در نتیجه یک درصد افزایش در سرمایه انسانی در همه استانهای کشور، شاخص توسعه انسانی منطقه ای به طور متوسط چند درصد تغییر خواهد کرد. همچنین α_1 کشش توسعه انسانی منطقه ای نسبت به حجم نیروی کار، α_2 کشش مذکور نسبت به حجم سرمایه، α_3 کشش مذکور نسبت به مخارج دولتی و α_4 کشش شاخص توسعه انسانی منطقه ای نسبت به معافیت های مالیاتی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از برآورد ضرایب در معادله فوق در قسمت بعد ارائه شده است.

۴- نتایج مدل تاثیر معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر کارایی (رشد و توسعه) اقتصادی مناطق ایران

۴-۱- نتایج مدل محاسبه تاثیر معافیت های مالیاتی بر رشد اقتصادی مناطق

معادله شماره ۱۰ با استفاده از تکنیک GLS در قالب روش داده های تلفیقی (*Panel Data GLS*) و با استفاده از داده های معرفی شده در قسمت قبل و بهره گیری از نرم افزار تخصصی اقتصادسنجی (*Eviews5*) برآورد گردید که نتایج آن در جدول شماره یک ارائه شده است. در ادامه نتایج آزمون های معناداری و تفسیر ضرایب ارائه می گردد.

❖ آزمون های معناداری برآورد معادله پایه (آزمون F وt):

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول شماره یک، مقدار آماره F برآورد شده معادل ۱۹۴ واحد است. مبتنی بر جدول توزیع احتمال آماره مذکور، سطح خطای برآورد متعلق به کل مدل بسیار پایین و تا پنج رقم اعشار برابر با صفر است که نشانگر معناداری کل مدل (مجموع ضرایب برآورد شده) است. همچنین آماره های t ضرایب برآورد شده و میزان انحراف معیارهای مربوط به هریک نشان دهنده معناداری ضرایب برآورد شده مربوط به متغیرهای توضیحی دوم تا پنجم (در سطح خطای کمتر از ۱۰ درصد) و بی معنا بودن ضریب برآورد شده برای متغیر توضیحی اول است.

با توجه به استفاده از تکنیک GLS، نیازی به آزمون های خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی وجود ندارد. همچنین معنادار بودن اکثریت ضرایب برآورد شده (براساس آماره هایt) نشان از عدم وجود پدیده همخطی در متغیرهای توضیحی دارد.

❖ تفسیر نتایج و ضرایب برآورد شده برای معادله پایه:

منطبق بر اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱، متغیر توضیحی اول فاقد اعتبار آماری است، لکن چهار متغیر توضیحی بعدی اثرات معناداری بر نرخ رشد اقتصادی در مناطق ایران دارد. براین اساس به ازای هریک درصد افزایش در تعداد نیروی کار شاغل در مناطق، نرخ رشد اقتصادی استان ها به طور متوسط به میزان ۰.۲۹ درصد افزایش می یابد. همچنین در نتیجه یک درصد افزایش در حجم سرمایه فیزیکی انباشته در استان های کشور، نرخ رشد اقتصادی منطقه ای در ایران به طور متوسط به میزان ۰.۳۷ درصد ارتقاء می یابد.

از سوی دیگر، نتایج مدل فوق حاکی از تایید نظریه رشد بارو و سالایی مارتین در خصوص مناطق (استانهای) ایران است، به نحوی که به ازای هر یک درصد افزایش در مخارج دولتی استانها، نرخ رشد اقتصادی منطقه ای به طور متوسط شاهد ۰.۵۲ درصد رشد خواهد بود.

اما نتایج مدل برآورد شده، به لحاظ آماری نشانگر اثر منفی عامل معافیت های مالیاتی منطقه ای (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر متوسط نرخ رشد اقتصادی استانهاست. در این ارتباط دو موضوع حائز اهمیت است: اولا) منفی بودن این اثر براساس مبانی نظری معافیت ها قابل پذیرش نیست، چرا که با فرض عدم اثرگذاری مثبت این عامل بر جذب سرمایه های جدید و افزایش تولید، تصور تاثیر منفی آن نیز دشوار است. ثانیا) بی معنابودن اثر یک متغیر مهم و موثر در رشد تولید (سرمایه انسانی) در مدل فوق، می تواند حاکی از بروز نوعی خطای تصریح در معادله شماره ۱ باشد. لذا به منظور بررسی امکان بروز چنین خطایی، معادله شماره ۱۰ مجددا و این بار بدون حضور عامل پنجم (متغیر معافیت های مالیاتی منطقه ای) مجددا برآورد گردید. نتایج معادله جایگزین در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

❖ آزمون های معناداری برآورد معادله جایگزین (آزمونF و t):

آماره F معادله جایگزین (در جدول شماره ۲) نشانگر معناداری آماری کل معادله با سطح خطای بسیار پایین است. همچنین آماره های t مربوط به ضرایب برآورد شده در این معادله، بیانگر اعتبار آماری همه متغیرهای توضیحی (با بیش از ۹۵ درصد اطمینان) است. براساس آماره *R-Square* تعدیل شده، متغیرهای چهارگانه حدود ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. همچنین با توجه به استفاده از تکنیک GLS در برآورد ضرایب و نیز معنادار بودن همه ضرایب برآورد شده (طبق آماره های t محاسبه شده) برقراری فروض کلاسیک قابل پذیرش است.

❖ تفسیر نتایج و ضرایب برآورد شده برای معادله جایگزین:

طبق اطلاعات جدول شماره ۲، چهار متغیر توضیحی باقی در مدل دارای اثرات مثبت و معنادار بر سطح و نرخ رشد اقتصادی منطقه ای در ایران هستند، به نحوی که به ازای هر یک درصد افزایش در هریک از متغیرهای توضیحی (سطح سرمایه انسانی، میزان اشتغال، میزان سرمایه فیزیکی انباشته و مخارج دولتی در استانها)، نرخ رشد اقتصادی استانها به طور متوسط به ترتیب معادل ۰.۱۵، ۰.۴۳، ۰.۲۶ و ۰.۳۱ درصد ارتقاء خواهد یافت.

با توجه به مجموع توضیحات فوق، مدل پایه رشد بارو بدون لحاظ معافیت های مالیاتی در توضیح عوامل موثر بر رشد اقتصادی منطقه ای در ایران تایید می شود؛ لکن تاثیر عامل معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م. بر رشد اقتصادی منطقه ای مورد تایید قرار نمی گیرد.

۴-۲- نتایج مدل محاسبه تاثیر معافیت های مالیاتی بر توسعه اقتصادی مناطق

معادله شماره ۱۲ با استفاده از تکنیک *GLS* در قالب روش داده های تلفیقی (*Panel Data GLS*) و با استفاده از داده های معرفی شده در قسمت قبل و بهره گیری از نرم افزار تخصصی اقتصادسنجی (*Eviews 5*) برآورد گردید که نتایج آن در جداول بعدی ارائه شده است. در ادامه نتایج آزمون های معناداری و تفسیر ضرایب ارائه می گردد.

❖ مدل پایه: تخمین ضرایب

همانگونه که پیشتر گفته شد، معادله نهایی جهت برآورد ضرایب به شکل زیر تصریح شد:

$$ln(RHDI) = \alpha_0 ln(A) + \alpha_1 ln(L) + \alpha_2 ln(K) + \alpha_3 ln(G) + \alpha_4 ln(Te) + \varepsilon \qquad (۱۳)$$

ضرایب معادله فوق الذکر با استفاده از تکنیک داده های تلفیقی (Panel Data) و با بهره گیری از نرم افزار تخصصی اقتصادسنجی Eviews 5 برآورد گردید. جدول شماره ۳، خروجی نرم افزار مذکور در برآورد ضرایب مورد نظر است.

❖ مدل پایه: آزمون های معناداری

آزمون معناداری مدل (آزمون F):

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۳، آماره F برآورد شده در مدل (برابر با مقدار ۱.۳۲۹) نشان دهنده نسبت خطای بالای ۲۶ درصد در برآورد مدل کلی است؛ در حالی که آماره های t گزارش شده برای همه ضرایب برآورد شده، همگی سطوح اطمینان بالای ۹۰ درصد را نشان می دهند (به جز ضریب عامل سرمایه).

در تحلیل علت خطای بالای برآورد مدل کلی (۲۶ درصد)، مهمترین دلیل می تواند بروز خطای تصریح باشد. در این حالت به نظر می رسد عاملی ناسازگار در مدل وجود دارد. بدین جهت برای بررسی واقعیت خطای تصریح به وجود آمده، عامل معافیت مالیاتی حذف و مدل مجددا برآورد گردید. نتیجه برآورد جدید در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

❖ مدل دوم- با حذف معافیت مالیاتی: آزمون های معناداری

آزمون معناداری مدل (آزمون F):

همانگونه که در جدول شماره ۴ دیده می شود، حذف عامل معافیت مالیاتی موجب کوچک تر شدن آماره F و در نتیجه افزایش ضریب خطا در تصریح مدل کلی به نزدیک ۱۰۰درصد شده است. بدین سبب به نظر می رسد خطای تصریح مذکور همچنان باقی است.

به منظور بهبود تصریح مدل، پیش بینی می شود عامل دیگری در تعیین تغییرات متغیر وابسته موثر باشد، چه اینکه مقدار بسیار جزئی آماره Adjusted R-square (کمتر از ۲ درصد) نشان دهنده وجود جزء بزرگی از تغییرات متغیر وابسته است که با متغیرهای توضیحی فوق توضیح داده نمی شود. براین اساس عامل ثابتی (با عنوان C) به معادله بالا اضافه گردید و عملیات برآورد ضرایب مجددا انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

❖ مدل سوم- حذف معافیت مالیاتی و لحاظ عامل ثابت: آزمون های معناداری

الف) آزمون معناداری مدل (آزمون F):

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۵، مقدار بالای آماره F (بیشتر از ۸۸) بیانگر ضریب خطای بسیار پایین (نزدیک به صفر) در تصریح ارائه شده جدید است. همچنین آماره Adjusted R-square (بیشتر از ۶۰ درصد) نشان می دهد بخش قابل توجهی از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی فوق توضیح داده می شود. بر این اساس صحت تصریح و برآورد معادله فوق تایید می گردد.

ب) آزمون معناداری ضرایب (آزمون t):

در تحلیل های اقتصادسنجی، علاوه بر آزمون معناداری مدل، می بایست معناداری تک تک ضرایب برآورد شده نیز مورد آزمون قرار گیرد. این آزمون براساس آماره t و اطلاعات جدول مربوط به آن انجام می شود. همانگونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود، آماره t برای ضرایب متغیرهای سرمایه انسانی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و مخارج دولتی نشان دهنده معناداری سه متغیر اول (با بیش از ۹۰ درصد اطمینان) و معناداری متغیر چهارم (با بیش از ۸۲ درصد اطمینان) است.

در نهایت اینکه فرضیه معناداری تاثیر متغیر مستقل معافیت های مالیاتی مناطق محروم- موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م- بر شاخص توسعه انسانی منطقه ای تایید نمی شود.

۵- جمع بندی و ارائه پیشنهادات

مالیات به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت، همواره در برنامه های رشد مناطق جایگاه ویژه ای داشته است، لکن اعمال معافیتهای مالیاتی یکی از مهمترین سیاستهای مالی به شمار می رود که علاوه بر تنظیم جریان مصارف و منابع عمومی، اهدافی مانند اشتغال کامل، تثبیت قیمتها، رشد اقتصاد ملی و منطقه ای را نیز دنبال می کند. یکی از اهداف معافیتهای مالیاتی منطقه ای، ارتقاء کارایی اقتصادی در مناطق خاص است. در این روش، دولت با برقراری سیاست حمایت از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی مناطق مورد نظر، زمینه را برای انتقال سرمایه و سایر منابع به مناطق مذکور فراهم می کند.

در ماده ۱۳۲ ق.م.م مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و تصویب نامه های مرتبط با آن (در هیات وزیران)، در سال پایانی برنامه سوم و در طول برنامه چهارم توسعه معافیت هایی برای مناطق محروم در نظر گرفته شده است. این معافیت ها به منظور ارتقاء وضعیت اقتصادی مناطق مذکور (ارتقاء کارایی اقتصادی آنها) اعمال گردیده است. پژوهش حاضر، به منظور بررسی تاثیر معافیت های مذکور بر کارایی اقتصادی در استان های کشور (به طور مشخص رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی منطقه ای) انجام شده است. به این منظور بر مبنای نظریه رشد بارو و براساس شاخص توسعه انسانی، تولید منطقه ای و شاخص توسعه انسانی منطقه ای به عنوان توابعی از سطح اشتغال، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، مخارج دولتی و معافیت های مالیاتی به شکل کاب داگلاس تصریح و ضرایب کشش متغیرهای وابسته مذکور نسبت به هریک از عوامل توضیحی- شامل معافیت های مالیاتی ماده ۱۳۲ ق.م.م- با روش داده های تلفیقی (*Panel Data*) و با استفاده از تکنیک *GLS* و با استفاده از داده های مقطعی و سری زمانی مربوط به سی استان کشور برآورد گردید. نتایج مدل نهایی نشان می دهد:

الف. عامل معافیت های مالیاتی (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) تا کنون اثری بر رشد استان های کشور نداشته است. همانگونه که در قسمت قبل به تفصیل مورد بحث قرار گرفت، ورود عامل معافیت های مالیاتی موضوع ماده مذکور در مدل تحلیل عوامل موثر بر رشد اقتصادی استان های کشور، باعث بروز خطای تصریح گردید؛ خطایی که با اعمال تغییراتی در مدل (از جمله حذف آن عامل) بهبود یافت. بدین جهت نتیجه گیری می شود معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) تاکنون اثر قابل توجهی بر رشد اقتصادی منطقه ای در ایران نداشته است. از سوی

دیگر مدل جایگزین نشانگر موفقیت نظریه رشد بارو در شناسایی و توضیح عوامل موثر بر رشد اقتصادی منطقه ای در ایران است.

ب. عامل معافیت های مالیاتی (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) اثری بر سطح توسعه یافتگی استان های کشور نداشته است. همانگونه که در قسمت قبل به تفصیل بیان شد، ورود عامل معافیت های مالیاتی موضوع ماده مذکور در مدل تحلیل عوامل موثر بر سطح توسعه انسانی در استان های کشور، باعث بروز خطای تصریح گردید؛ خطایی که با اعمال تغییراتی در مدل (از جمله حذف آن عامل) بهبود یافت. بدین جهت نتیجه گیری می شود معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) تاکنون اثر قابل توجهی در توسعه منطقه ای کشور نداشته است.

ج. براساس دو نتیجه گذشته (عدم تاثیر معافیت های موضوع ماده مذکور بر رشد و توسعه منطقه ای) با لحاظ این دو عامل (رشد و توسعه منطقه ای) به عنوان شاخص های عملیاتی کارایی اقتصادی، می توان این‌گونه نتیجه گرفت که تا کنون معافیت های مذکور اثر قابل توجهی در ارتقاء کارایی اقتصادی استان های کشور نداشته است. براساس نتایج این پژوهش، پیشنهاداتی در دو حوزه سیاستی و مطالعاتی به شرح ذیل قابل ارائه طرح هستند:

پیشنهادات سیاستی و کاربردی

۱. دولت باید عواملی از قبیل سرمایه انسانی، بودجه دولتی و سرمایه فیزیکی را که موجب ارتقاء نرخ رشد اقتصادی مناطق می شوند، تقویت نماید. بدین لحاظ با هدف گیری کاهش عدم توازن های منطقه ای، مناطق محروم تر می بایست در اولویت بالاتر قرار گیرند؛

شایان ذکر است که عدم تاثیر معافیت های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر رشد و توسعه اقتصادی منطقه ای در دوره مورد مطالعه در این تحقیق می تواند اولا به دلیل کوتاه بودن مدت زمان مورد مطالعه برای اثرگذاری سیاست مالیاتی مذکور، ثانیا همزمان کردن عامل معافیت مالیاتی با عوامل و شرایط دیگر تاثیرگذار بر رشد و توسعه مناطق، عدم کفایت این معافیت ها در تحریک سرمایه گذاری در مناطق و یا عدم حساسیت سرمایه گذاری و تولید در کشور، نسبت به سیاستهای مالیاتی در صورت عدم وجود همزمان عوامل مهم تاثیرگذار دیگر مانند امنیت سرمایه سرمایه گذار باشد). در صورت واقعیت هریک از موارد فوق به ترتیب: الف- تصمیم گیری نهایی در خصوص کارآمدی سیاست معافیت مالیاتی مورد مطالعه، نیازمند گذر زمان طولانی تر خواهد بود، ب- فراهم کردن شرایط و عوامل مهم تاثیرگذار دیگری مانند تامین امنیت برای سرمایه گذار، جهت مفید

و موثر بودن عامل معافیت مالیاتی در رشد و توسعه مناطق، دولت می بایست محرک مالیاتی مورد نظر را تقویت نماید. این امر ممکن است از طریق پرداخت یارانه به نهاده های تولید و یا با روش های دیگر محقق گردد.

۲- در غیر اینصورت، با توجه به فرضیه وجود چاله های فضایی در جغرافیای اقتصادی کشور، سیاست توازن منطقه ای مستلزم شوک های قوی تر توسعه و رشد در مناطق محروم خواهد بود و سیاست معافیت مالیاتی مورد نظر بی فایده بوده، می بایست لغو آن در دستور کار قرار گیرد، چراکه علاوه بر عدم تاثیر بر رشد، توسعه و کارایی اقتصادی مناطق، موجب کاهش نسبی درآمدهای مالیاتی قطعی دولت می گردد.

فهرست منابع

۱- آذربایجانی،کریم و همکاران(۱۳۹۱)، بررسی اثر سیاست های مالیاتی بر نابرابری درآمد و رشد اقتصادی، نشریه راهبرد یاس، شماره ۲۶.

۲- احمدی، محمد علی و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۶)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، نشر نور علم، تهران.

۳- اکبری، نعمت الله (۱۳۷۸)، مباحثی از توسعه در ایران، نشر هشت بهشت، اصفهان.

۴- برامکی یزدی، حجت الله (۱۳۸۷)، عوامل موثر توسعه؛ مطالعه موردی سرمایه اجتماعی، مجله راهبرد شماره ۱۶.

۵- بهشتی، محمد باقرو زالی، نادر (۱۳۸۹)، شناسایی عوامل کلیدی بر توسعه منطقه ای با رویکرد برنامه ریزی بر پایه سناریو؛ مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی.

۶- پژویان، جمشید (۱۳۸۶)،"اقتصاد بخش عمومی(مالیاتها)"، نشر نی،تهران.

۷- پومفرت، ریچارد (۱۳۷۶)، راههای گوناگون توسعه اقتصادی، مجتهد، احمد(مترجم)، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

۸- جعفری صمیمی (۱۳۸۰)، "اقتصاد بخش عمومی"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، تهران.

۹- جعفری صمیمی، احمد و حسن زاده جزدانی، علیرضا (۱۳۸۰)، مجله پژوهشهای اقتصادی مدرس، شماره ۲ ص ؟.

۱۰- رحمانی، تیمور(۱۳۷۸)،"اقتصاد کلان"(جلد اول)، نشر برادران، تهران.

۱۱- سمیعی نسب، مصطفی و مقصودی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، مروری بر نظریه های توسعهٔ اقتصادی در نیم قرن اخیر، مجموعه مقالات مبانی نظری برنامه پنجم توسعه، مرکز تحقیقات میان رشته ای علوم اسلامی و انسانی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.

۱۲- سلیمی، حسین (۱۳۷۵)، تأملی در نظریه نظام جهانی، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، ش۱۰۷ و ۱۰۸.

۱۳- ساعتچی یزدی، حسین (۱۳۸۲)، قانون مالیاتهای مستقیم، نشر مجد، تهران.

۱۴- شاکری، عباس (۱۳۸۷)،"اقتصاد کلان(جلد اول)"، نشر پارس نویسا، تهران.

۱۵- قلی زاده، علی اکبر(۱۳۸۸)، اثر مالیات منفعت سرمایه بر قیمت مسکن، مجله مهندسی ساختمان علوم مسکن، شماره ۱۵ صص ۵۷-۷۲.

۱۶- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۹)، محاسبه شاخص توسعه انسانی با استفاده از رتبه بندی فازی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۷.

۱۷- کلانتری، خلیل(۱۳۸۰)،"برنامه ریزی و توسعه منطقه ای(تئوریها و تکنیک ها)"، نشر خوشبین، تهران.

۱۸- گلیهی، فرد (۱۳۶۶)،"نظریه و سیاست اقتصاد کلان"، مهدی تقوی(مترجم)، نشر فروردین، تهران.

۱۹- گریفین، کیث و مک کنلی، تری (۱۳۷۶)، توسعه انسانی، خواجه پور تادوانی، غلامرضا(مترجم)، نشر وداد، تهران.

۲۰- موسوی، میرنجف و حکمت نیا، حسین(۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص ها در تعیین عوامل بر توسعه انسانی نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه.

۲۱- معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۸۵)، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، نشر پیام، تهران.

۲۲- مابوگونج.آ.ال و میسرا، آر.پی(۱۳۶۸)، توسعه منطقه ای-روشهای نو، مخبر، عباس(مترجم)، انتشارات برنامه و بودجه،تهران.

۲۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، "حساب های منطقه ای".

۲۴- مرکز آمار ایران (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶)،"سالنامه آماری کشور".

۲۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶)،"آمارنامه استانی (استانهای مختلف کشور)".

۲۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵)،" سرشماری عمومی نفوس و مسکن".

۲۷- نادران، الیاس(۱۳۸۷)، بررسی اثر مالیات ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران از سال ۱۳۵۱-۱۳۸۲.

۲۸- هانت، دایانا(۱۳۸۶)، نظریه های اقتصادی؛ تحلیلی از پارادایم های رقیب، ارمکی(آزاد)، غلامرضا(مترجم)، نشر نی، تهران.

۲۹- همتی، عبدالناصر(۱۳۸۸)، نگرشی بر دیدگاهها و مسائل توسعه اقتصادی، نشر سروش(انتشارات صدا و سیما)، تهران

۳۰- یزدان پناه، الهام و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی اثر مالیات بر توزیع درآمد کشورهای منتخب و ایران، ماهنامه مناطق آزاد، شماره ؟؟ ،صص۳۷-۴۱ .

31. Arnold, Jens Matthias (2011), Tax Policy for Economic Recovery and Growth, The Economic Journal, Volume 121, pages F59–F80.

32. Barro Robert J. & Sala-i-Martin Exavier (1999), "Economic Growth", MIT press Edition, Cambridge.

33. Becky P. Y. Loo and Sin Yin Chow (2006), China's 1994 Tax-Sharing Reforms: One System, Differential Impact, Asian Survey, Vol. 46, No. 2, PP. 215-237.

34. Brems, Hans (1963), Trade, Growth, and the Exchange Rate Growth in a Two-country.

35. Harrod-Domar Model with a Variable Exchange Rate, Ekonomisk idskrift, Arg. 65, no. 3, pp. 99-108

36. Blagrave, Patrick (2005), An Analysis of the Impact of the Harmonized Sales Tax on Provincial Revenues in Atlantic Canada, Canadian Public Policy / Analyse de Politiques, Vol. 31, No. 3, PP. 319-331.

37. Levine, Ross (2012), Stock Markets, Growth, and Tax Policy, The Journal of Finance, Volume 46, pages 1445–1465.

38. I. Jones, Charles (2005), Handbook of Economic Growth, Department of Economics, University of California, Berkeley and NBER, Volume 1, Part B, Pages 1063–1111.

39. R. Repetti, James & L. Caron, Paul (2013), Occupy the Tax Code: Using the Estate Tax to Reduce Inequality and Spur Economic Growth, University of Cincinnati – College of Law,Vol. 40, No. 5.

40- O'Leary, Sean (2011), Economic Development and the Business Personal Property Tax ,Conference of Southern County Associations ,www.wvpolicy.org.

41. M. Romer, Paul (1994),The Origins of Endogenous Growth, The Journal of Economic Perspectives, Vol. 8, No. 1, pp. 3-22.
41. Rich, Robert, Jason Bram, Andrew Haughwout, James Orr, Rae Rosen, Rebecca Sela (2005),Using Regional Economic Indexes to Forecast Tax Bases: Evidence from NewYork, The Review of Economics and Statistics, Vol. 87, No. 4 , PP. 627-634.
42. Segerstrom, Paul. S. (1998), Endogenous Growth without Scale Effects, The American Economic Review, Vol. 88, No. 5 pp. 1290-1310.
43. Morgan, William, John Mutti, Mark Partridge (1989), A Regional General Equilibrium Model of the United States: Tax Effects on Factor Movements and Regional Production, The Review of Economics and Statistics, Vol. 71, No. 4, PP. 626-635.